ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
زندگی سلام
•یک شنبه• ۲۰ آبان ۱۳۹۷ •شماره ۱۱۸۲

حدیث روز

حضرت علی(ع): پیش از تصمیم گیری مشورت کن و پیش از عمل بیندیش.

غرر الحکم و درر الکلم

ذکر روز یک شنبه

صد مرتبه «یا ذاالجلال و الاکرام»

در محضر بزرگان

وظایف فرزند در برابر والدین

آیت ا... سیستانی می فرمایند:
فرزند در برابر پدر و مادر دو نوع واجب دارد: اول، نکویی و انفاق به ایشان اگر بینوا و تهیدست هستند و تأمین نیازمندی های زندگی شان... دوم، نیک رفتاری و خودداری از بدرفتاری در سخن و عمل اگر چه به او ستم کرده باشند... و اما در شئون فرزند نیز امر دو نوع است: اول، اذیت شدن پدر و مادر از این ناحیه باشد که دلسوز فرزندشان هستند و از کاری که او انجام می دهد هر چند در ارتباط با ایشان نباشد، رنج می کشند، فرزند چنین کاری را نباید بکند اعم از این که او را نهی کنند یا نه. دوم، اذیت شدن پدر و مادر از این جهت باشد که آنان برخی خصلت های نکوهیده دارند مثلا دوست نمی دارند فرزندان شان به دنبال خیر دنیا باشد، چنین اذیت شدنی اثری برای فرزند ندارد و واجب نیست فرزند در مقابل این نوع توقعات تسلیم آنان باشد.

سایت رسمی آیت ا... سیستانی

بریده کتاب

لذت زندگی

چه جوری یک نفر می تونه از این لذت ببره که ساعت شش و نیم صبح با صدای زنگ ساعت از خواب بیدار شه، از تخت بخزه بیرون، لباس بپوشه، به زور غذا بخوره، دندون ها و موهاشو بشوره و با ترافیک دست و پنجه نرم کنه تا برسه به مکانی که قراره توش واسه یک نفر دیگه کلی پول در بیاره، تازه کلی هم سپاس گزار باشه واسه موقعیتی که بهش داده شده؟

برگرفته از «هزار پیشه»
اثر چارلز بوکفسکی

حکایت

عرق گرما و عرق شرم

در فصل تموز [تابستان] که صخره صما از حر سموم چون قبضه موم گداختی و سمندر از فرط التهاب خود را در آب انداختی، جوانی به بغداد می رفت. با پیری رو به رو شد. از او پرسید از کجا می آیی؟ گفت از بغداد. گفت در آن جا کارت چه بود؟ پیر گفت عرق کردن!

در تموز عشق کز حرش بتابد زمهریر
خیز کز بغداد حاجت بارگه بیرون زنی
ورنه چندانت عرق بر چهرگان ریزد ز شرم
کز تری هر دم هزاران طعنه بر جیحون زنی

برگرفته از کتاب «پریشان» اثر قاآنی

غلط ننویسیم

چه!

کلمه «چه» همواره جدا از واژه پس از خود نوشته می شود، مگر در: چرا، چگونه، چقدر و چطور.

برگرفته از کانال «زین قند پارسی»
علیرضا حیدری

قرار مدار

اندکی صبر

بغض

حمیرا خانجانی

نبض بغضم را گرفته ام، بارها!
اسم تو که می آید
از چشمانم بیرون می ریزد...
این بار اما
حبسش کردم
حبس ابد...

همشهری سلام؛
پذیرای داستانک، ترسانک، سوتی، شعر، طرح، عکس و ایده‌های بامزه و جالب شماست.
مطالب خود را در پیام‌رسان تلگرام به این شماره بفرستید:
۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶
پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

دنیا به روایت تصویر

شین هوا| نیروگاه خورشیدی ۴۰ مگاواتی، چین

گتی ایمیج| نوزادهای ایگوانا در حال غذاخوردن در باغ وحش، ترکیه

رویترز| دانشمندان در حال شناسایی اسکلت پیدا شده هنگام راهسازی که گمان می کنند متعلق به یک سرباز جنگ جهانی اول است، فرانسه

فتوشعر

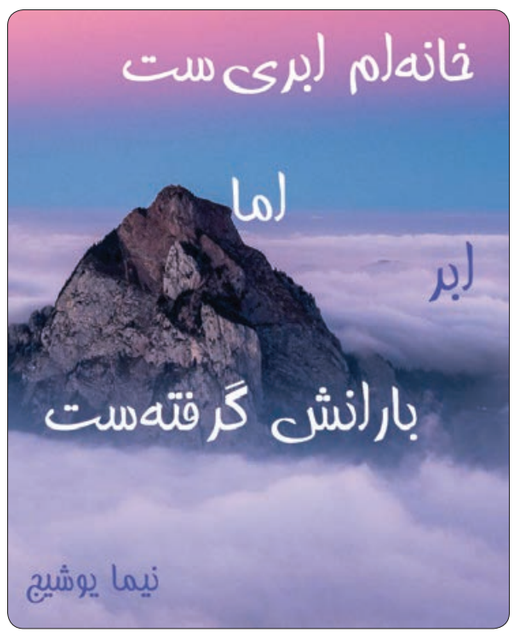

دور دنیا

دردسرهای نگهداری از سگ وحشی

شین هوا- یک سگ هاسکی خانگی در چین، صاحبش را حسابی به دردسر انداخت و سوژه رسانه های این کشور شد. این سگ شبانه از خانه فرار کرده و به مزرعه همسایه رفته بود. او با ورود به محل پرورش مرغ ها، ۶۰۰ جوجه را یک شبه خفه کرده بود. صاحب مزرعه که صبح با دیدن این صحنه دچار حمله قلبی شده، از همسایه اش شکایت کرده است. او می گوید این جوجه ها را با شرایط بسیار سختی پرورش داده است.

حیله مرد هندی برای ادعای خدایی کردن!

آدیتی سنترال- یک مرد هندی به صورت داوطلبانه حاضر شد در گودالی که خودش کنده بود ۸ ساعت دفن شود و اگر زنده از آن بیرون آمد، ادعای خدایی کند. او بعد از ۸ ساعت زنده از درون گودال بیرون آمد، اما مردم به جای این که به حرف های او شک کنند همگی دورش جمع شدند و ادعای خدایی اش را پذیرفتند! در گودالی که او کنده بود تنفس به راحتی امکان پذیر بود، اما حالا او در معبد روستا ساکن شده است و همه مردم دور و اطراف برای اهدای پول و هدایای نفیس به سراغش می روند!

داستانک طنز

سفر به دور دنیا

مهدیسا صفری خواه |طنزپرداز

توی اتاق چرت می زدم. بدون این که تحت تأثیر چیزی باشم به سقف خیره بودم. پیامک واریزی بانک چرتم را پاره کرد. هوس سفر کرده بودم. اما با این پول ها زورم به گمرک مادر هم برای خروج از خانه نمی رسید چه برسد به عوارض خروج. مادرم همیشه در کمین بود که کسی بیرون برود بعد یک فهرست از شیر مرغ تا جان آدمیزاد را به او حواله کند که بخرد. اینستاگرام را که باز کردم از تهران تا بندرعباس از کیش تا تبریز؛ از آنکارا تا تورنتو سفر کردم، بدون ریال و دلار و یورو؛ با جزئیاتی که خود بومی ها هم نمی دانند. برای شام هم هشتگ غذای فرنگی را دنبال کردم. فکر سوغاتی هم بودم. چهار تا پست لباس دایرکت کردم برای دوست های صمیمی ام. برگشتم به اتاقم دوباره زل زدم به سقف. خودم را در همان باقلوافروشی تبریز گم کرده بودم. برگشتم به استوری دوستم. لعنتی ۲۴ ساعتش تمام شده بود. من شهروند همان باقلوافروشی ماندم. مثل مسافری که پاسپورتش را گم کرده ولی ته قلبش خوشحال است. مادرم فهرست خرید را آورد و پرسید: «نمی خوای بیرون بری؟!» گفتم: «تازه برگشتم. خسته ام.» در را بست. شنیدم که زیر لب چیزی می خواند و فوت می کرد به طرف من.

تاپخند

- همیشه سعی کردم تو خونه به چشم نون خور اضافه بهم نگاه نشه برای همین بیشتر برنج می خورم!
- ۹۰ درصد اونایی که فکر می کنن سبیل بهشون میاد، نمی تونن با خودشون کنار بیان و به نفع خودشونه که بزننش!
- من حتی وقتایی که کاری چیزی دارم و پیاده میرم بیرون هم مامانم میگه یواش برو، احساس میکنه من یکی از ۳۰ قلاده یوزپلنگ ایرانی در حال انقراضم!
- کی فکرش رو می کرد الاغ به اون بدبختی و توسری خوری، شیرش گرون ترین شیر حیوانات باشه؟!
- عموپورنگ تو مصاحبه گفته دلیل ازدواج نکردنم اینه که سه بار خواستگاری رفتم و جواب رد شنیدم... شما خودتو بذار جای پدر عروس، یکی از پشت کاناپه با اردک و در قندون بپره بیرون و در حالی که داره بالا پایین می پره دخترت رو خواستگاری کنه، پرتش نمی کنی تو کوچه!؟
- تعداد تسترهای غذا از تعداد رستوران های تهران بیشتر شده. فکر کنم آخرش یک برنامه می ذارن و خودشون رو می خورن!
- وقتی برای یکی فیلم می ذارم و وسط فیلم سرش رو می کنه تو گوشیش دلم می خواد ببندمش به صندلی و پنج تا سوال درباره فیلم ازش بپرسم و با هر جواب غلط با خط کش بزنم کف دستش!

مسابقه چی میگه

ماجراهای من و نیازمندی ها و مادرم!

سلام. این بار یک تصویر کمیک برای مسابقه انتخاب کردیم، ببینیم چه می کنید! فراموش نکنید پیامک های بدون اسم، بی نمک و کلیشه ای در مسابقه شرکت داده نمی شن.

یادآوری روش مسابقه: باید از زبان شخصیت های این تصویر یک جمله با مزه بنویسید و تا ساعت ۲۴ فردا شب (دوشنبه) برای ما به پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ یا شماره ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶ در تلگرام بفرستید. حتما در ابتدای هر پیامک، کلمه «چی میگه؟» و در آخر پیامک هم نام و نام خانوادگی تون رو بنویسید. با نمک ترین و خلاقانه ترین جمله ها روز چهارشنبه به اسم خود نویسنده ها چاپ می شه.

منتخب های چی میگه هفته قبل

چون هفته پیش تعطیل بود، الان چند تا از جمله های بانمک تر مسابقه قبل رو انتخاب کردیم که می خونید. دمتون گرم و خوش باشین همیشه.

*آتش نشان: گربه بد، چند بار بهت گفتم نباید بری تو آشغال ها، بازیافت میشی!
سیده متینا موسوی

*گربه: همه دنبال جوجه کباب اند، من دنبال موش کباب! **محمدرضا صدفیان**

*گربه: اگه منو ببرین مدرسه، بازم فرار می کنم... من فقط مدرسه موشا رو دوست دارم!
محترم درودی

*آتش نشان: ملوسم غصه نخور دارم می برمت پیش گارفیلد! **زهرا حصاری**

*گربه: توی این روزهای سرد که جایی ندارم، مجبورم داد بزنم آتیش آتیش تا بپرم بغل یک آتش نشان! **امید ذاکری رودی**

*آتش نشان: من زودتر از بقیه همکارام تو رو نجات دادم، من نسبت به اونا پیشی گرفتم!
سید حسین آروند

*گربه: چقدر خوب شد منو نجات دادی! آقای اون خونه تازه زن گرفته بود و داشت به خواهرش می گفت می خوام گربه رو دم حجله بکشم! **سید حسین آروند**

*گربه: خدا رو شکر شما اومدین... داشتم سکته می کردم نکنه بچه های واحد زنده گیری بیان!
شمینا علیزاده

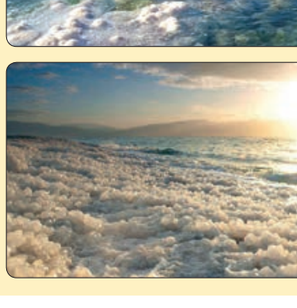

*گربه: باید می ذاشتی بپرم پایین... آتش نشان: تو گربه ای، رو پاهات فرود می اومدی، کاریت نمی شد، باید بری کارخونه سوسیس سازی! **رضا کمالیان**

*آتش نشان: گربه جان! پیش زنم چیزی نگی که از بین گربه های مقر برداشتم آوردمت این جا، باشه؟ قبلش هم یک گرما به برو!
محمدرضا هاشمی ۹ ساله، از مشهد

*گربه: تا حالا عشقت ولت نکرده بره با یک پرشین خارجی که حال منو درک کنی! **محمد عمرانی**

*گربه: ای خدا به ما نیومده زن و بچه دار شیم! آتش نشان: نق نق نکن، دفعه آخرت باشه از خونه فرار می کنی! **فاطمه خسروشاهی**

تفأل

الا ای طوطی گویای اسرار — مبادا خالی ات شکر ز منقار
سرت سبز و دلت خوش باد جاوید — که خوش نقشی نمودی از خط یار

دی روزنامه

سرخ شدگی

علیرضا کاردار |طنزپرداز

در حالی این مطلب را می خوانید که تکلیف فینال لیگ قهرمانان آسیا روشن شده و قهرمان هم جام را گرفته و رفته خانه اش اما وقتی که این مطلب را نوشتیم هنوز نمی دانستیم قهرمان ایران است یا ژاپن؟ چون نمی شود در یک روز شدیدا فوتبالی ما مطلب فوتبالی نداشته باشیم، چند خبر مرتبط را بررسی می کنیم تا از تب و تاب مان کاسته نشود.

در خبرها بود که قرار است قبل از بازی پرسپولیس و کاشیما، برج میلاد قرمز شود. البته خبر خوشحال کننده ای است که سرانجام ما هم به این فناوری رنگ کردن برج ها (در کنار غیب کردن دکل ها) دست یافتیم، ولی انصافا کار مهمی نیست که منتش را سرمان می گذارند. در این دوره و زمانه سرخ شدن که کاری ندارد، کافی است سری به بازار بزنیم یا اخبار روز را مطالعه کنیم تا به صورت خودکار قرمز شویم، یا از عصبانیت، یا خجالت یا ترس و استرس! از طرف دیگر رئیس فدراسیون فوتبال قبل از بازی گفته بود: «کسی که جلوی مسئولان عالی رتبه فوتبال جهان کار ناشایست انجام دهد، ایرانی نیست» این هم یک بزرگ نمایی دیگر. اول این که کارهایی که ما انجام می دهیم به مسئولان عالی رتبه فوتبال جهان چه ربطی دارد؟ یعنی در کشور خودمان نمی توانیم هر کاری دل مان می خواهد انجام بدهیم و هر شعاری می خواهیم بدهیم و هر چیزی که دوست داریم به هر جایی که می خواهیم پرتاب کنیم؟ دخالت فیفا در امور کشورها تا به کجا؟ از این گذشته، این چیزها ربطی به ایرانی نبودن ندارد، تا جایی که یادمان می آید فقط کسانی که پیغام انوشیروان درباره نخریدن پراید و آجیل شب عید را به هزار نفر دیگر نمی فرستادند یا در رای گیری نام خلیج فارس شرکت نمی کردند ایرانی نبودند، نه این هایی که آقای تاج گفته!

خبر بعدی کشف شش توالت لاکچری در ورزشگاه آزادی است که همه مان مثل توالت ندیده ها خوشحال شدیم و امیدوار که اگر با همین فرمان به بازسازی استادیوم بپردازند، بعید نیست به چند سالن و پیست تارتان و تشک تاتامی و استخر و زمین چمن تازه و تونل و گنج و کرم چاله سفر در زمان هم دست پیدا کنند، ولی بعدا مشخص شد اصلا این قضیه کشف نبوده و در اصل توالت ها تکمیل نبوده و از شان به عنوان انباری استفاده می کرده اند. یعنی حتی نمی گذارند دو روز خیال پردازی کنیم و از تخیلات مان لذت ببریم. مورد دیگر خبر حضور ۱۵۰ خبرنگار ژاپنی برای گزارش بازی است. فکر می کردیم فقط خودمان این قدر به خبر علاقه داریم که حتی بچه پنج ساله و کسی که سواد ندارد هم یک کارت خبرنگاری به گردنش می اندازد و وارد زمین بازی می شود، نگو ژاپنی ها هم از خودمان هستند. البته شاید نیروی کمکی برای تمیز کردن استادیوم هستند که نمی دانسته اند با چه عنوانی ویزا بگیرند و ناچار با پوشش خبرنگار وارد کشورمان شده اند!

خبر فوتبالی آخر هم شعار دادن هواداران دو تیم وطنی علیه پرسپولیس و حمایت شان از تیم ژاپنی و هجوم برخی دیگر به سمت اتوبوس خراب شده ژاپنی ها در اتوبان بود که خب به علت نداشتن جا و وقت و جنبه و حوصله در دسر و داشتن استرس برای نتیجه بازی، بی خیال این ها می شویم!

قاب جهان

گران ترین چای سبز دنیا

یکی از دیدنی های مهم هانگجو در چین، مزارع چای سبز این جاست. گفته شده که این جا بهترین و گران ترین چای سبز دنیا به عمل می آید. در کنار مزارع چای یک درمانگاه بود که به آن جا مراجعه کردم. متاسفانه حتی خیلی از پزشک های چینی، انگلیسی حرف نمی زنند. ولی بین آن ها یک نفر بود که فهمید دنبال خریدن چای سبز هستم و من را پیش یکی از مزرعه داران محلی برد. این بانو چند بقچه چای سبز آورد و با مهربانی به یک لیوان چای سبز اصل و گران قیمت مهمانم کرد. خوشبختانه یک مشتری چینی تحصیلکرده هم بعد از من آمد و کمکم کرد که از ایشان چای سبز بخرم.

دکتر ناصر مکارم، استاد دانشگاه از اسکاتلند

ما و شما

راه ارتباطی با ما: پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ و تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

*مادر یعنی محبت و عشق و صفا، مادر که شد مادربزرگ اون وقت میشه یک خورشید تابان. مادربزرگ ما بهترین بود، از طرف مهسا، شیوا، نگار، نازنین، مینو، سروش، سینا، پویا، حامد، سهیل، عرفان اباذریان

*روز سه شنبه درباره بزرگ ترین مجسمه های دنیا اطلاعاتی درج کرده بودید که خیلی جذاب، دیدنی و خواندنی بود. فقط در متن قید شده ارتفاع دومین مجسمه بزرگ دنیا در چین ۱۵۳ متر و در جدول ۱۲۸ متر نوشته شده است که ۲۵ متر اختلاف دارد. اگر توضیح داده شود ممنون می شوم.
حسن رضا شکروی، بیرجند

ما و شما: با سپاس از توجه شما، در بعضی اندازه گیری ها ارتفاع پایه مجسمه هم حساب می شود و در بعضی جدول ها خیر، آن ۲۵ متر ارتفاع پایه مجسمه است که در جدول هم دیده می شود.

*چی می شد اگر مسئولان هم مثل آق کمال گل ما این قدر جوابگو باشند؟ دمت گرم.
بابای آرسام و آرنیکا، قوچان

آق کمال: اگه او جوری بود که دگه مسئول نمرفتن!

*می خوام به مامانم بگم در سته بچه های مردم همیشه از من بهترن، ولی تو از بقیه مامان های مردم بهتری...
مسعود مجنونپور

*آق کمال؛ ته خلافتون چیه؟!

آق کمال: طبقه بالای خانه خسرم پاهامه دراز مکنم!

مارپیچ (سختی ۵۰٪)

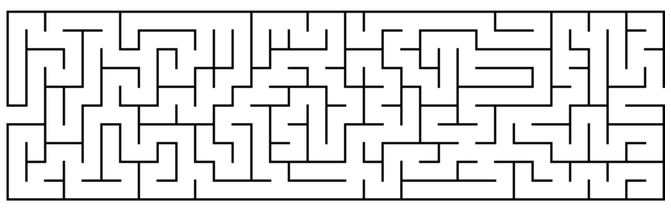

بحر المیت

دریای مرده یا دریای نمکی، در جنوب غربی آسیا و در کم ارتفاع ترین نقطه کره زمین قرار دارد و دارای کمترین مقدار آب در زمین است. این دریای باشکوه و مرموز با آب های فیروزه ای سبک و بلورهای نمکی، با تپه های طلایی محصور شده است. آب این دریا ۹ برابر بیشتر از آب اقیانوس شور است و بسیار غلیظ و پر از املاح و مواد معدنی است، چنان که کسی در آن غرق نمی شود. به همین دلیل این دریا به یک جاذبه گردشگری تبدیل شده است و کمتر گردشگری، عکسی در حالی که روی آن شناور و در حال خواندن روزنامه است، نگرفته است. برخی از گردشگران برای استفاده از خواص درمانی آن به آن جا سفر می کنند.

به جز جانداران کوچکی همچون باکتری ها و جلبک ها، زندگی گیاهی و جانوری در آن ناممکن است. در واقع دریاچه شوری است که رودار دن وارد آن می شود اما از آن خارج نمی شود، همان جا زیر آفتاب سوزان تبخیر می شود و از آن فقط املاح و مواد معدنی باقی می ماند. سالانه یک متر از آب دریا پایین می رود و این میزان بسیار نگران کننده است.

گفته می شود در دوران جنگ جهانی اول، چند مهندس انگلیسی حرف اول نامشان را روی یک تخته سنگ که لب آب بود، حک کردند که مشخص شود آب تا کجاست. و حالا پس از گذشت سال ها، تخته سنگ بسیار بالاتر از سطح آب است. اکنون برای رسیدن به کنار آب، باید از این تخته سنگ و تخته سنگ های دیگر پایین بروید، از جاده بگذرید، از وسط گیاه های بلند و زمینی گل آلود عبور کنید تا به آب برسید. این فاصله روی هم رفته حدود دو کیلومتر راه است. به لطف آب و هوای انحصاری این محل، دریای مرده دارای اکسیژن فراوانی است که اثر آرامش بخشی دارد.

منبع: بریتانیکا